

رییس بانک مرکزی آمریکا چگونه می اندیشد؟

منبع: tæÜ

ترجمه: میثم جبلی

پای صحبت سنا توره‌های پرافاده ایالات متحده آمریکا نشستن، همیشه کار راحتی نیست. با وجود این بن برنانک (bÜièÇèäÜ)، اقتصاددان متین و موقری که دومین فصل تصدی پست ریاست بانک مرکزی ایالات متحده را پشت سر می گذارد، چنان بادقت و عمیق به نظر می رسد که گویی پدری صبور به صحبت‌های فرزندش گوش می دهد. تام کارپر (tèé ÑÇièÜi)، سناتوری از دلاویر (dÜÇÇòÇiäÜ) متوجه دقت نظر برنانک می شود و می گوید: «یکی از روسای مرحوم کابینه، وقتی در صحن کنگره ظاهر می شد، یک مشت کاغذ دور و برش ولو می کرد، مشغول خواندن این و آن می شد اما شما اینطور نیستید.» وی با تحیر ادامه می دهد: «شما به حرف‌های همه گوش می دهید، وقتی ما اظهارات پیش از دستور خودمان را بیان می کنیم، شما دقیقا به چه فکر می کنید؟» برنانک در جواب می گوید: «تورم، نرخ‌های رشد و کسری حساب جاری.»

به زبان می آورد به عنوان طرز تفکری گنگ بر خورد می شود. با توجه به رشد سالم و قوی برنامه تعدیل اقتصادی در سه سال گذشته - که به نوبه خود باید به مهار تورم کمک می کرد - وی خطاب به کنگره آمریکا گفت: «به نظر می رسد که اقتصاد آمریکا در دوره‌ای از تحول به سر می برد.» پس از این اظهار نظر بازار بورس تقویت شد به موجب آن پایان افزایش روند دوساله نرخ سود که قرار بود در ماه آگوست اتفاق بیفتد برای ماه سپتامبر، پیش بینی شد. اقتصاد، تنها زمینه‌ای نیست که در حال تحول است بلکه بانک مرکزی هم به دلیل حضور برنانک در حال تغییر است. به عنوان مثال می توان از صحنه مراسم افتتاحیه که برنانک با دقت صحبت‌های هر سناتور را مورد بررسی قرار می داد نام برد. گوش فرا دادن، حلاجی کردن، بحث کردن و در معرض قضاوت گذاشتن عقاید همه گروه‌ها، از جمله صفات بارز برنانک است که طی یک سالی که در استنفورد و سپس در پرینستون به عنوان اقتصاددان آکادمیک حضور داشت، به دست آمده‌اند و این شیوه در حال سرایت کردن به اقتصاددان‌های بانک مرکزی برای برقراری ارتباط با مردم است. به عبارت دیگر اقتصاددانان بانک مرکزی هم با پیروی از شیوه برنانک در حال برقرار کردن ارتباط با مردم هستند. ارتباط آنها با مردم تا حدی نزدیک شده که سیاست مالی و پولی آنها را هم می توانند تغییر دهند و تعیین کنند. راهبرد جدید هنگامی در مجلس سنا به نمایش گذاشته شد که برنانک با ظرافت ناشناخته‌ای با در نظر گرفتن ۱۸ سال دوران تصدی گرینسپن به پرسش‌ها پاسخ داد. گرینسپن مدت‌ها به خاطر پاسخ‌های پیچیده اش - که می توانست زمان را متوقف کند ولی به ندرت بازارها را تکان می داد - معروف بود. برنانک در پاسخ به

تریت او به گونه ای بود که

هنوز هم او را به یاد مردمی می اندازد که

در پشت آمارهایی اند که او هر روز

مطالعه می کند

برنانک وقتی بانک مرکزی را در اول فوریه از آلن گرینسپن (Grenspan) تحویل گرفت، تبدیل به مردی شد که همه وی را به عنوان کسی که کنترل اقتصاد ایالات متحده را، در دست گرفته است شناختند. وقتی قیمت‌ها ناگهان بالا می روند و سرعت رشد اقتصادی کم می شود، برنانک مورد سرزنش قرار می گیرد و اگر اقتصاد با گام‌های سریع و سالم رشد کند، اوست که تمجید می شود. به لحاظ نظری، رییس بانک مرکزی دارای قدرت مطلق نیست، مثلا افزایش یا کاهش نرخ مالیات به او ارتباطی ندارد ولی به دلیل اینکه نرخ‌های سود تحت کنترل بانک مرکزی است، شیوه پول خرج کردن مشتریان و مشاغل گوناگون را تحت تاثیر قرار می دهد و تا حدودی نیز به این دلیل که گرینسپن موقعیت و مقام رییس بانک مرکزی را در حد یک خدایگان استحکام بخشیده بود، با هر طرز تفکری که برنانک

تغییری که با حضور برنانک اتفاق افتاده است عبارت است از این که رییس جدید دو خصوصیت بارز دارد: ۱- شفافیت در اعلام برنامه‌ها و ارتباط گرفتن با مردم ۲- شوخ طبعی

بار به ورطه ابهام کشانده است. در ماه آوریل، او به کنگره آمریکا گفت که بانک مرکزی ممکن است روند افزایش نرخ سود خود را برای مدتی متوقف کند. این گفته‌ها باعث شد که بازار بورس رونق بگیرد، چرا که نرخ‌های بالای سود بانکی، پول را از بازار سهام بیرون می‌کشند. چند روز بعد وی به خانم خبرنگاری گفت که صحبت‌های او سوء تعبیر شده‌اند و پس از تصحیح حرف‌هایش در تلویزیون، بازار رو به نشیب گذاشت.

گرچه به سختی می‌توان گفت که برنانک اولین رییس بانک مرکزی است که بازارها را آشفته می‌کند، ولی او تا حدی در اظهارنظرهای خود بیشتر جانب تدبیر را ننگه می‌دارد، زیرا زمانی که او اعلام کرد صحبت‌هایش با آن خبرنگار یک اشتباه بوده است، بازارها با نظریه‌های جدید بانک مرکزی هماهنگ شدند؛ نظریه‌هایی که منتقل‌کننده کنایه‌ها بوده و در این زمینه شفافیت دارند که اقتصاد چقدر می‌تواند غیرشفاف باشد. دیوید ویس (David Wyss)، سر اقتصاددان موسسه استاندارد و فقرا گفت: «او همان چیزی را می‌گوید که مورد نظرش است و ما باید به این وضعیت عادت کنیم.»

تا به حال، بزرگ‌ترین مانع برسر تلاش‌های برنانک در زمینه شفاف‌سازی بیشتر، می‌تواند خود اقتصاد باشد. به نظر نمی‌رسد هیچ‌کس، از جمله بانک مرکزی، بداند که ایالات متحده دقیقا در کجای چرخه نرخ سود قرار دارد. قیمت‌های نفت و سایر کالاها سر به فلک کشیده‌اند، قیمت‌های تعیین شده برای مشتریان کماکان به‌طور خزنده، بیش از آنچه که اقتصاددانان انتظار داشته‌اند، در حال صعوداند. با این حال بازار مسکن سیر نزولی را طی کرده و درآمدهای ماهانه تا حدودی ثابت مانده‌اند. اطلاعات و داده‌ها کمکی نمی‌کنند، برنانک هر روز حدود ۲۵ سری اطلاعات را مطالعه می‌کند و معمولا آنها با یکدیگر جور در نمی‌آیند. در حالی که گریسنپن به آمارهای مبهم، علاقه و گرایش داشت، برنانک بیشتر به اطلاعات به‌روز می‌پردازد. برنانک در مصاحبه‌ای با Minneapolis Fed در سال ۲۰۰۴ گفت: «شما در دانستن اینکه چه مباحثی در حال انجام است، موفق ترید تا اینکه بخواهید با چشم‌پوشی کار را انجام بدهید.» با تشویق‌های او برای رک‌گویی و صراحت بیشتر و تبادل نظرها، این مباحث مطمئنا افزایش پیدا می‌کند، به خصوص اگر بانک مرکزی تلاش کند اقتصاد ایالات متحده را به سمت فرودی آرام هدایت کند. ■

سوالی در مورد کسری بودجه رو به فزونی آمریکا به وضوح هرچه تمام‌تر پاسخ داد: «کسری‌ها مشکل ایجاد می‌کنند، چون نمایانگر افزایش بدهی‌ای هستند که فرزندان ما باید با افزایش مالیات یا کاهش خدمات، هزینه‌اش را بپردازند.» وقتی سناتور پل ساربینز (Paul Sarbanes) از مریلند، برنانک را با این سوال مورد خطاب قرار داد: که آیا افزایش نرخ‌ها و تاثیر آنها بر تضعیف بازار مسکن، وی را «یک بار و نصفی» در مورد افزایش نرخ سود به فکر وانی نمی‌دارد. وی در پاسخ گفت: «نه، من دوبار فکر خواهم کرد آقای سناتور.»

تغییری که با حضور برنانک اتفاق افتاده است عبارت است از این که رییس جدید دو خصوصیت بارز دارد: ۱- شفافیت در اعلام برنامه‌ها و ارتباط گرفتن با مردم ۲- شوخ طبعی. آنچه که واقعا در مخاطره است، طرح تبدیل بانک مرکزی به سازمانی شفاف‌تر و در دسترس‌تر است. اولین باری که برنانک در سال ۲۰۰۲ با پست فرمانداری به بانک مرکزی آمد در کافه تریا غذا می‌خورد. این کار باعث تعجب بسیار زیاد اقتصاددانان جوان تری بود که عادت نداشتند فرمانداران برای صرف غذا و گپ زدن به میان آنها بیایند. وقتی که وی پس از هشت ماه کار، تحت عنوان رییس شورای مشاوران اقتصادی ریاست جمهوری، در ماه فوریه با پست ریاست به این سازمان بازگشت، برنامه غذایی خودش را از سر گرفت و خودش را جدای از کارکنان بانک مرکزی در اتاق‌های پذیرایی محبوس نکرد. او در باشگاه ورزشی بانک مرکزی بسکتبال بازی می‌کند، در تابلوی اعلانات الکترونیکی بانک مرکزی برای فروش مینی‌ون خود آگهی داد و به همراه همسرش که مدرس زبان اسپانیولی است و یکی از دو فرزندش که برای تعطیلات دانشگاه در منزل به سر می‌برد، در پیک‌نیک چهارم جولای بانک مرکزی حضور پیدا کرد.

برنانک در شهری کوچک در کارولینای جنوبی بزرگ شد. در آنجا پدرش داروساز و مادرش معلم بود. تربیت او به گونه‌ای بود که هنوز هم او را به یاد مردمی می‌اندازد که در پشت آمارهایی اند که او هر روز مطالعه می‌کند. برنانک در سال ۲۰۰۴ به یک روزنامه محلی گفت: «این کار دورنمای متفاوتی را به من نشان می‌دهد.» در حوزه سیاست‌گذاری، برنانک تلاش می‌کند روند طولانی و آرام صراحت و شفاف‌سازی را در بانک مرکزی سرعت ببخشد. پیش از سال ۱۹۹۴، بانک مرکزی حتی اعلام نمی‌کرد که چه زمانی قصد تغییر نرخ سود را دارد. برنانک، کمیسیون فرعی‌ای را تاسیس کرده است تا به بررسی روش‌هایی بپردازد که بانک مرکزی بتواند به‌طور شفاف‌تر با سرمایه‌گذاران و عموم افراد صحبت کند. شایان ذکر است وی در اواخر جولای، پیش‌بینی‌های بانک مرکزی را اعلام کرد که طبق آن امسال GDP واقعی (تولید ناخالص ملی) تا میزان ۳/۲۵ درصد افزایش می‌یابد. از طرفی وی با حساسیت زیاد جنبشی را طراحی کرد تا به مردم کمک کند، بهتر متوجه شوند که امور در چه سمت و سویی در حال انجام است. برنانک طرفدار اعلام صریح و بی‌پرده اهداف بانک مرکزی در زمینه تورم است تا انتظارات را ثابت نگه دارد، به گونه‌ای که ترس از تورم به پیش‌بینی‌ای تبدیل نشود که خود به خود به واقعیت بپیوندد. با این حال ارزش صراحت و رک‌گویی در واشنگتن محدود است و این چیزی است که برنانک به سرعت به آن پی برده است. شیوه «روبازی کردن» او بازارها را چندین